ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۱ | اذان مغرب ۱۷/۲۷ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۶ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

سخن روز

امام حسن عسکری(ع): دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان.
تحف العقول، ص.۴۸۹

علیرضا قزوه مدیر دفتر شعر و موسیقی صداوسیما شد

پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیما، علیرضا قزوه را به سمت مدیر دفتر شعر و موسیقی و سرود منصوب کرد. در حکم جبلی به قزوه آمده است: میراث پرشکوه شعر فارسی، گنجینه بی نظیر معرفت و اخلاق و زیبایی و معنویتی است که ملت فرهیخته ما در کوران جنگ نرم و شیطنت‌های دشمنان دین و هویت و عدالت، به آن نیاز مضاعف دارند. انتظار می رود با همت و ابتکار و هم افزایی، اولویت‌های زیر را مد نظر قرار دهید: طراحی راهبردها و سازوکارها و برنامه‌های لازم برای احراز جایگاه شایسته شعر در بخش‌های گوناگون رسانه ملی، فعال سازی آرشیو موسیقی چهل ساله رسانه ملی و استفاده قدرشناسانه از این گنجینه ارجمند، طراحی نظام رتبه بندی و ارزشیابی آثار مورد استفاده شبکه‌های گوناگون و ساماندهی پخش، ارتقای کمی و کیفی تولید خصوصاً در عرصه‌های موسیقی حماسی و اجتماعی و آیینی، هم افزایی جدی با مراکز و عناصر فعال موسیقی کشور در بخش‌های دولتی و خصوصی برای تأمین نیازهای نوبه نوو گسترده مخاطبان، توجه ویژه به ظرفیت تولید موسیقی در استان‌ها و نواحی و نیز تعامل فعال با ظرفیت‌های گسترده موسیقی ملل خصوصاً منطقه، جهان اسلام و جبهه جهانی مقاومت، تحکیم رابطه اندیشه-هنر و استفاده هیأت‌های اندیش ورز برای حفاظت و ارتقای جایگاه و شأن موسیقی ملی و آیینی و انقلابی در برابر ابتذال، تقویت و حمایت از ارکستر سمفونیک سازمان صداوسیما به منظور ضبط و اجرای آثار فاخر ملی و انقلابی، همه بخش‌های سازمان موظف به همکاری و هماهنگی با آن دفتر در انجام مأموریت‌ها خواهند بود.

بزودی ممکن است یک ثانیه دیگر باشد. بزودی می تواند یک سال طول بکشد. این بزودی، آینده را درهم می فشارد، آن را کوچک می کند و دیگر هیچ چیز مطمئنی در کار نخواهد بود.

قطار بموقع رسید
هاینریش بل / کیکاووس جهانداری

نـــگاره
کیان رادپویان

پای ویروس کرونا به قطب جنوب باز شد/ ایسنا

ارزشمندی تئاتر یا ارتباط راستین با مخاطب

پنجره‌ای رو به دیوار

رضا آشفته
منتقد

هر تئاتری فارغ از مباحث تکنیکی و زیبایی شناسی، می‌تواند اثر ارزشمندی باشد که نظر مخاطب را جلب کند. اما گاهی مخاطب دچار اشتباه می شود و آن اثر نمایشی نتوانسته مطلوب را ارائه کند بلکه به اقتضای خواست غیر معقول، برخوردار از یک وضعیت شبه رضایت بخش است و این همان تردید و تناقضی است که باید برطرف شود که ضمانت ارزشمندی یک اثر نمایشی را ممکن‌تر سازد.

تئاتر ارزشمند در ارتباط با مخاطب، دو سویه را باید به بهترین نحو ممکن راضی کند؛ یکم، سرگرم کننده باشد و دوم، بتواند تفکری را در میان بگذارد.

سرگرم کنندگی با همان شور و نشاط ضمنی و حوصله دیدن و مات شدن در تکنیک‌ها و محو شدن در زیبایی‌ها ممکن خواهد شد. سویه دوم نیز به لطف قلم نویسنده درباره بیان یک موضوع کارآمد و بنابر اقتضای زمان ممکن می‌شود. انسان‌ها موجودات جایزالخطایی هستند و باید که همیشه و همواره مورد انتقاد و بررسی و ارزیابی واقع شوند چنانچه هر روز، پیش از بیرون رفتن از خانه برابر آینه موی خود را شانه می‌کنند و سر و صورت و لباس و کفش را نگاهی می‌اندازند و گاهی از اعضای خانواده می‌خواهند که راجع به شمایل حضور در اجتماع ابراز نظر کنند و این همان انتقاد سازنده‌ای است که مانع از خندیدن و دست انداختن دیگران خواهد شد.

در تئاتر همان ضمیر درونی و ناخودآگاه انسان نشانه می‌رود که بستر بسیاری از خوب‌ها و بدها بدون تمایز و تشخص ویژه است و در صحنه چنین حال و هوایی هدفگذاری شده که انسان پنهان و پیدای درونش را تماشا کند. همین بیرون آوردن انسان از لفافه است که مسیر انسانی و آگاهی بر خویشتن را رقم می‌زند.

انسان آگاه متوجه خوب و بد خود خواهد شد و در بازاندیشی رفتاری بسیار سنجیده و دقیق رفتار خواهد کرد. پس نمایشی که می‌تواند انسان را به واسطه خطاکار بودنش بررسی کند، یک اثر ارزشمندی تلقی خواهد شد و هر چه بیان مسأله و اهمیت آن زیباتر و دقیق‌تر شده باشد، ارزشمندی اثر نمایشی نیز افزوده خواهد شد. به همین دلیل کم‌مایگی و بی‌مایگی آثار نمایشی خود دلیلی مبرهن و آشکار برای بی‌ارزش جلوه خواهد کرد. از سوی دیگر، بهای بیش از حد به تکنیک‌ها و دور شدن از معیارهای اخلاقی و تربیتی و بسیاری از نکات ارزنده دیگر می‌تواند مسیر سقوط یک اثر تا مراحل کامل بی‌ارزشی و در واقع انحطاط آن اثر را نمایان سازد. اثری که سرتاپا لودگی است، نمی‌تواند زیبا و ارزشمند باشد، اثری که در اتکای به فرم فاقد درک معنایی شود، نمی‌تواند در جامعه مؤثر باشد و این نیز اثر را با مفهوم بی‌ارزشی یگانه می‌گرداند.

بنابراین ارتباط راستین با مخاطب و دادن نکات ارزنده از جمله موارد کلیدی است که به ارزشمندی و دوام و بقای آن اثر در ذهن و روان مخاطبان بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در جامعه ایرانی که همواره انسان‌مداری و اخلاق ملاک و معیار بوده و فراتر از آن، کشور در مسیر پیشرفت قرار گرفته، داشتن تئاتر ارزشمند یک امکان باشکوه برای بارور شدن چنین نظرگاه و کارکردی خواهد بود.

کمدی میانه‌رو نیست

بودها و نمودها

علیرضا نراقی
منتقد

می‌توان با قاطعیت گفت ژانر پرطرفدار و محبوب کمدی در ایران گونه مهجوری است. اغلب کمدی‌ها به طرز آزاردهنده‌ای سطحی، مبتذل و بی‌کارکرد هستند. این بی‌کارکرد بودن به سادگی به این معناست که اثر آن‌طور که انتظار می‌رود خنده‌دار و مفرح نیست، حتی بهترین کمدی‌های دو دهه اخیر سینما و تلویزیون ایران یک بار مصرف بوده‌اند. پس از کمدی درخشان «اجاره‌نشین‌ها» ساخته داریوش مهرجویی و تجربیات پراکنده‌ای مثل «آدم برفی» و «لیلی با من است» و... اغلب کمدی‌های ساخته شده در سینمای ایران غیرقابل اعتنا بوده‌اند. یکی از دلایل مهجوریت کمدی -با وجود تولیدات نسبتاً زیاد سالانه ما در این‌گونه- ضعف‌های متعدد کیفی در اجرا و مهم‌تر از آن ساده‌گیری در کمدی نویسی و ساختار شوخی‌ها است. کمدی‌ها اغلب از شوخ طبعی مرسوم مردم عقب‌ترند و تنها از کلیشه‌های تاریخ گذشته بهره می‌برند.

در کتاب مرجع «نمایش در ایران» بهرام بیضایی به این مهم اشاره می‌کند که کمدی در تاریخ ما همواره با نوعی کنایه و کینه همراه بوده است. رنج‌های متعدد مردم، بی‌کفایتی و فساد سلسله‌های حاکم و شدت عدم پذیرش انتقاد باعث شده بود تا استفاده از لحظات سکرآور و سرخوش کمدی تنها فضایی باشد که نمایشگران ایرانی بتوانند برخی مسائل اجتماعی را مطرح نمایند و به تندی از آنها انتقاد کنند. علاوه بر این نگاه انتقادی که تا حدودی در نفس این گونه بوده است، عادت غلطی در میان کمدی سازان امروزی ما شکل گرفته است که اغلب این گونه مفرح و تسکین بخش را با صحنه‌های ملودرام اشک‌انگیز و لحظات احساسی باسمه‌ای ترکیب می‌کنند. این عادت باعث شده است که کمدی‌ها آنقدر هم کمیک نباشند و لحظات شادی‌آور همواره با مکث زیاد روی لحظات غم‌انگیز سست شوند. این درست خلاف نمونه‌های طراز اول جهانی است. در آثار شاخص و جریان اصلی سینما و تلویزیون، هیچگاه کمدی از کمیک بودن و شادی‌آور بودن خود منحرف نمی‌شود؛ البته که در آن آثار هم گاه لحظات غم‌انگیز وجود دارد اما هنر کمدی‌ساز آنجاست که این لحظات را با رخدادها یا موقعیت‌ها یا دیالوگ‌های خنده‌دار سریع عوض می‌کند و به وظیفه اصلی و حال و هوای مبنایی اثر بازمی‌گردد و احساسات مخاطب را منحرف نمی‌کند.

یکی از اشکالات فکری دیگر در کار هنرمندان وطنی این است که گویا آنها کمدی را کافی نمی‌دانند. نتیجه این ناکافی دیدن، چیزی نیست جز انحراف و اتلاف انرژی اصلی اثر. کمدی‌های ما اغلب با پیام‌ها اخلاقی و لحظات غم‌انگیز تلاش می‌کنند کمدی ناکافی و تحقیر شده را تکمیل کنند. این در حالی است که کمدی در نفس خود صاحب ارزش است.

کمدی هم تأثیر مثبت روانی دارد، هم ارزش عقلانی و هم صاحب اثرات مثبت اجتماعی است. ایجاد تنوع و خاصیت درمانی کمدی امری غیر قابل انکار است. همین تأثیر فردی در سطح جامعه هم نتایجی مثبت و التیام بخش دارد.

از سوی دیگر کمدی گونه‌ای عقلانی است، به این معنا که مخاطب همواره فاصله‌ای معقول با شخصیت‌ها دارد و می‌تواند از طریق عناصر تمهید شده تکنیکی همچون اغراق و تمایز نقصان‌های رفتاری و فکری مرسوم را بهتر تشخیص دهد و در مواجهه با موقعیت‌های مشابه در واقعیت به شکلی عقلانی‌تر عمل کند.

رمانی فلسفی با ترجمه مهشید میرمعزی

پیشنهاد

«وزن کلمات» دومین نوشته «پاسکال مرسیه» نویسنده آلمانی زبان است که با ترجمه مهشید میرمعزی و از سوی نشر افق دراختیار علاقه‌مندان ادبیات جهان قرار گرفته است. این نویسنده هفتاد و هشت ساله استاد رشته فلسفه دانشگاه آزاد برلین است که تدریس فلسفه زبان و فلسفه تحلیلی را به‌عهده دارد. وی قبل از این رمان، آثار دیگری هم روانه کتابفروشی‌ها کرده اما آخرین نوشته‌اش با استقبالی متفاوت روبه‌رو شده، آنچنان که در زمان کوتاهی در جایگاه کتابی پرفروش قرار گرفته است. «وزن کلمات» در توجه نویسنده‌اش به این پرسش خلق شده که ما تا چه اندازه در انتخاب‌هایمان در زندگی، آزادی عمل داریم؟ در پشت جلد کتاب هم در توضیح مختصری آمده: «همواره این کلمات هستند که در شکستن سد دنیوی و فانی به من یاری می‌رسانند. چیزی در روح شعر، یعنی کاملاً شکل و نغمه دقیقش، مرا موظف می‌کند که آن را در قالب کلمات درآورم. چنین فعالیتی راهی است برای رهایی از خیال واهی زمان. شعر سرعت زمان را کاهش می‌دهد، آن را نگه می‌دارد و ما را از دستش رها می‌سازد؛ چه شعرگونگی کلمات در ادبیات باشد، چه شعرگونگی آواهای موسیقی.» برخی منتقدان ادبی در توصیف این رمان گفته‌اند: «پاسکال مرسیه با هوشیاری و احتیاط اجازه می‌دهد قهرمان رمانش توانایی ادبی خود را کشف کند. در عین حال ادراک نافذ و چشمگیرش را برای تفاوت‌های زبانی به اثبات می‌رساند... رمانی بسیار عمیق.» نشر افق به‌عنوان ناشر رسمی «پاسکال مرسیه» در ایران و به زبان فارسی در سراسر دنیا، این رمان خواندنی را از یک فیلسوف نویسنده با ترجمه مهشید میرمعزی برای مخاطبان ایرانی منتشر کرده است. میرمعزی این رمان را اثری برخاسته از اعماق روح نویسنده‌اش خوانده و همین نکته را عاملی در دشواری بیشتر کتاب «وزن کلمات» و صرف دقت بیشتر برای ترجمه‌اش عنوان کرده است. میرمعزی از جمله مترجمان شناخته شده ادبیات آلمانی است که نقش بسزایی در معرفی نویسندگان ادبیات معاصر جغرافیایی آلمانی‌زبان برای علاقه‌مندان ایرانی ایفا کرده است. اما در اشاره مختصری به ماجرای کتاب بد نیست بدانید سیمون، شخصیت اصلی این رمان در تقابل با خواسته‌های والدین خود قدم در وادی ترجمه می‌گذارد. او در پی این است که همه زبان‌های محدوده دریای مدیترانه را فرابگیرد. وقتی همسرش مؤسسه‌ای انتشاراتی را به ارث می‌برد، سیمون همراه او می‌رود و سرانجام، یک خطای پزشکی زندگی‌اش را زیرورو می‌کند. این طوفان ناخواسته، سیمون را سر دوراهی زندگی، به تردید می‌اندازد.»

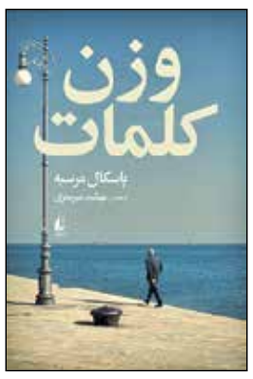

■ **وزن کلمات**
■ **نویسنده: پاسکال مرسیه**
■ **مترجم: مهشید میرمعزی**
■ **نشر افق**

بایدها و نبایدهای فضای مجازی؛

دنیای مجازی چگونه شما را مختل می‌کند؟

یک فنجان چای

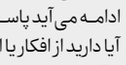

آزاده سهرابی
روانشناس

این روزها تکنولوژی جزو لاینفکی از زندگی شده است. کافی است چشمانتان را ببندید و تصور کنید در یک کلبه میان جنگل نشسته اید و گوشی موبایلتان آنتن نمی‌دهد! نه به فضای اجتماعی در دنیای مجازی دسترسی دارید و نه حتی به یک تلفن زدن ساده به یکی از اعضای خانواده یا دوستانتان! اگر همین الان از تصور بودن در چنین موقعیتی نفستان تنگ شده یا ضربان قلبتان بالا رفته است باید گفت شما از آن دسته آدم‌هایی هستید که در «اجبارهای دنیای تکنولوژی» گیر افتاده‌اید. اگر استرسی که از تصور چنین موقعیتی اینقدر بالاست که نیاز به راه فراری برای گریز از این استرس دارید، یا همین الان سراغ گوشی تلفن همراهتان رفتید که دیگر وضعیت بدتر است و شاید حتی به اختلال فابینگ مبتلا باشید.

■ **حالا خودتان را یک مرور بکنید!**

چقدر در فضاهای خانوادگی به جای گوش دادن به حرف‌های اطرافیان یا درک موقعیت اطرافتان سرتان در گوشی‌های تلفن همراهتان است؟ چقدر به خودتان آمده‌اید و دیده‌اید ساعت‌ها بدون هدف خاصی اینستاگرام و تلگرام و واتساپ یا انواع سایت‌های خرید را بالا و پایین می‌کنید؟ چندبار در روز اتفاق می‌افتد که فرزندتان یا همسرتان از شما سؤالی پرسیده و شما پاسخی با تأخیر یا از روی عادت به آن داده‌اید چون غرق در فیلم‌ها و کلیپ‌هایی بوده‌اید که دنیای مجازی به شما پیشنهاد داده است؟ چقدر اتفاق افتاده که حتی بدون آن‌که سراغ محتوای گوشی تلفن همراهتان بروید نگران بوده‌اید که آن را نزدیک خود نگه دارید؟ چقدر استرس تمام شدن شارژ تلفن همراهتان را دارید؟

حالا از خودتان بپرسید چند بار در روز بدون هیچ دلیلی فقط برای اینکه ممکن است یک پیامی آمده باشد سمت گوشی همراهتان رفته باشید؟ چند بار در روز فقط برای اینکه استوری‌های جدید را چک کنید سراغ گوشی رفته‌اید؟ آیا شما در طول روز ساعت‌های متمادی با تلفن همراه خود با دیگران صحبت می‌کنید؟

اگر پاسخ شما به این سؤال‌ها در اکثر مواقع بله است باید گفت باید کمی جدی‌تر به زندگی خود فکر کنید و به سؤال‌هایی که در ادامه می‌آید پاسخ بدهید: آیا شما احساس تنهایی می‌کنید؟ آیا دارید از افکار یا احساساتی فرار می‌کنید؟ آیا چیزی دارد شما را آزار می‌دهد که این‌گونه اعتیاد به فضای مجازی و تکنولوژی را جایگزین کرده‌اید؟ آیا در روابط خود احساس ناامنی می‌کنید؟ آیا از فشارهای زندگی خسته اید و فکر می‌کنید پناه بردن به دنیای مجازی مانند یک مسکن عمل می‌کند؟

باز اگر جواب شما حداقل به یکی از این پرسش‌ها بله است می‌شود حدس زد که در برخی از روابط با اطرافیانتان دچار چالش‌های اساسی شده‌اید!

این روزها والدین بسیاری در اتاق‌های مشاوره از نوجوانانشان گلایه دارند که بیش از معاشرت با اعضای خانواده درگیر دنیای مجازی شده‌اند و سرشان از درون گوشی بیرون نمی‌آید. خیلی از زوج‌ها به دلیل اینکه یکی از طرفین زیادی درگیر دنیای شبکه‌های اجتماعی است پایشان به اتاق مشاوره باز می‌شود. حتی زوج‌هایی هستند که از این فضا آسیب دیده‌اند. ارتباط‌های خارج از زندگی زناشویی در همین فضاهای مجازی آفت بسیاری از زندگی‌های مشترک شده است. حتی اگر دست کودکان برای مراجعه به اتاق‌های مشاوره باز بود چه بسا بسیاری از آنها برای گلایه از والدینشان که گوشی‌های تلفن همراهشان را گویی بیش از آنها دوست دارند سری به مشاور می‌زدند.

«فابینگ» یا همان چیزی که تا این لحظه برای شما بازگو کردیم از آن چیزی که فکر می‌کنید به شما نزدیک‌تر است و از آن چیزی که فکر می‌کنید چهره دردناک‌تر و خشن‌تری دارد. تلفن همراه امروزه جزئی از زندگی شده است و کسی انتظار ندارد افراد از استفاده آن صرف نظر کنند اما تحقیقات می‌گوید اگر نتوانید تعادل در استفاده از گوشی‌های تلفن همراه را کنترل کنید و در استفاده از شبکه‌های اجتماعی راه تعادل را در پیش بگیرید، آسیبی که در روابط خود می‌بینید تبدیل به گره کوری می‌شود که شاید وقتی کار از کار گذشت به آن آگاه شوید.

اگر این نوشته کمی -حتی کمی- شما را به فکر واداشته بنشینید و با احساس‌های خود روبه‌رو شوید چون روی دیگر سکه‌ای که شما را نشان می‌کند کسانی هستند که از فردی که غرق در دنیای مجازی است آسیب می‌بینند. وقتی فرزند شما با شما صحبت می‌کند و شما گوشی تلفن همراه را به او ترجیح می‌دهید بجز اینکه او سرمشق از شما می‌گیرد، احساس طردشدگی را به شکل عمیقی تجربه می‌کند و همین سرآغاز آسیب جدی به سلامت روان اوست.

هنرمندان در فضای مجازی

ظرفیت سینماها چندوقتی است به حالت صددرصد برگشته و اکران مردمی فیلم‌ها با حضور عوامل هر فیلم دوباره از سر گرفته شده است. برهمین اساس با بالا و پایین کردن صفحات اهالی سینما اغلب با برنامه و عکس‌های این آیین مواجه می‌شویم. اهالی تئاتر هم تصاویری از حضور هنرمندان در نمایش‌هایشان منتشر می‌کنند و فعالان حوزه موسیقی از برنامه کنسرت‌های تازه‌شان می‌نویسند. فعلاً بازار اطلاع رسانی درباره بازار سینما و موسیقی و تئاتر داغ است.

■ **چهره‌ها**

حسین ریگی کارگردان و نویسنده سینما که در اولین فیلم بلندش «لیپار» تصویر واقعی از مردم سیستان و بلوچستان ترسیم کرده، در صفحه اینستاگرامش عکسی از یک اتفاق دلگرم کننده را منتشر کرده است. در این تصویر دست‌نوشته‌ای با این عبارات دیده می‌شود: «کلید موتور شما روی موتور بود به بقالی سرکوچه دادم به جای شیرینی ۱ شانه تخم مرغ و ۱ روغن گرفتم، کارگر هستم. حلال کن». ریگی در کپشن این عکس نوشته: «دمت گرم، نان پدر و شیر مادر حلالت...»

گلاب آدینه هم با اشتراک عکسی از خود و مونا فرجاد گوشه‌ای از اخلاق حرفه‌ای و همدلی اهالی تئاتر را متذکر شده است: «رفاقت و عزت نفس یعنی اینکه مونا فرجاد باشی و وقتی می‌شنوی بازیگر نقش چند دقیقه‌ای عروس نمی‌تونه بیاد، بدون لحظه‌ای تردید بگه من میام. با سرعت خودش رو به تئاتر شهر برسونه، لباس بپوشه با توضیح مختصری به صحنه بیاد.»

رضا صادقی با انتشار ویدیویی از مراحل درمانش، دلیل دیر شدن تمدید کنسرت تهران را همین اتفاق اعلام کرده و گفته که به استراحت دو هفته‌ای برای ادامه فعالیت‌هایش نیاز دارد.

■ **چه خبر**

«تو زمن پرس قدر روز وصال/ تشنه داند که چیست آب زلال. نوبت «**جیران**» است که قصه عاشقانه‌اش را از ورای تاریخ بازگو کند» این عبارات بخشی از متن اطلاع‌رسانی بازیگران این سریال است که در صفحه اینستاگرامشان از زمان پخش سریال تازه حسن فتحی خبر داده‌اند. طبق این اطلاعیه پخش سریال «جیران» از جمعه ۲۴ دی‌ماه آغاز خواهد شد. قصه «جیران» در زمان پادشاهی ناصرالدین شاه می‌گذرد و روایت دلباختگی این شاه قاجاری به جیران (پریناز ایزدیار) است. امیر جعفری، امیرحسین فتحی، بابک حمیدیان، بهرام رادان، پریناز ایزدیار، رعنا آزادی ور، گلاره عباسی، مریلا زارعی، الهام نامی، پاشا جمالی، رؤیا تیموریان، ستاره پسیانی، سمیرا حسن‌پور، غزل شاکری، مهدی پاکدل، نهال دشتی و هومن برق نورد جمعی از بازیگران این سریال هستند.

مجموعه‌کتاب‌های «**طنزآوران جهان نمایش**» که حاصل ۵۰ سال پژوهش و تحقیق داریوش مؤدبیان در دنیای نمایشنامه‌نویسی طنز و کمدی است چند وقتی است به بازار نشر آمده است. این مدرس تئاتر تصویری از ۱۲ دفتر نخست این مجموعه را به اشتراک گذاشته و از همکاری مجید توکلی هنرمند گرافیست نوشته است. در بخشی از متن او آمده: «به غیر از ۲۹ کتابی که میان سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ مجید توکلی برایم طراحی جلد آنها را به انجام رساند. از سال ۱۳۹۸ تاکنون ۲۴ دفتر از مجموعه «طنزآوران جهان نمایش» را - در عین پاکی، آراستگی و سادگی- با مهر فراوان طراحی کرده است. برای مجید توکلی نازنین تندرستی و شادکامی و پیروزی آرزو دارم.»

رمان «**به افق پاریس**» منتشر شد. این خبر را اسدالله امرایی مترجم این اثر داده و در توضیح این کتاب آورده: «آلکس جورج نویسنده امریکایی در این رمان خاطره‌انگیز خواننده را به پاریس می‌برد که غول‌های ادب و هنر را گرد آورده و در دل خود جا داد. مارسل پروست، ارنست همینگوی، گرترود استاین، پابلو پیکاسو و هنرمندان دیگری که هر کدام گمشده‌ای دارند و در شهر به دنبال آن می‌گردند.»

عکس نوشت

یادبود عطاالله امیدوار (معمار، عکاس و نقاش) در مقابل خانه هنرمندان با حضور هنرمندان، دوستان و خانواده او از جمله سیف‌الله صمدیان، هوشنگ مهراردلان، سیاوش تیموری، سیدحسن مهدیان، نادر میرزاده و داوود خطیبی تبار و یدالله کابلی برگزار شد و سپس پیکر این هنرمند تا بهشت زهرا(س) بدرقه شد.